



Quran and Hadith Studies

علوم قرآن و حدیث

Vol. 51, No. 1, Issue 102

سال پنجاه و یکم، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۰۲

Spring & summer 2019

بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۱۷۹-۱۵۷

DOI: <https://doi.org/10.22067/naqhs.v51i1.54353>

بررسی تطبیقی تصویرپردازی رئوس ملائکه در چاپ سنگی کتاب «عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات» و روایات اسلامی*

مصطفی لعل شاطری^۱

دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه فردوسی مشهد

Email: mostafa.shateri@yahoo.com

دکتر علی ناظمیان فرد

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: nazemian@um.ac.ir

دکتر هادی وکیلی

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: vakili@um.ac.ir

چکیده

با ورود صنعت چاپ سنگی به ایران در عصر قاجار، کتاب‌های فراوانی منتشر گردید و در این بین افزودن تصاویری مرتبط با محتوای آن، یکی از نیازهای ناشران بود. این مقاله بر آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی میزان تطبیق نقاشی‌های مربوط به رئوس ملائکه (اسرافیل، میکائیل، جبرئیل و عزرائیل) در کتاب چاپ سنگی عجایب المخلوقات قزوینی (نسخه ۱۲۶۴ ق) با قصص قرآنی و روایات اسلامی بپردازد. یافته‌ها حاکی از آن است که تصویرگر این کتاب، علیقلی خوبی، الگوی پایه در ترسیم پیکره این ملائکه را از سویی برای زیبایی بصری مبتنی بر آموخته‌های هنری و از سویی دیگر در جهت انطباق با آیات و منابع روایی با رویکرد دینی و در مواردی جزئی بر اساس هنجارها و باورهای اجتماعی، قرار داده است. اما بررسی تحلیلی تصاویر با گزارش‌های موجود این نظر را اثبات می‌کند که خوبی تا حد بسیار زیادی تحت تأثیر روایات اسلامی بوده و تصاویر برخوردار از درون‌مایه دینی او را، نمی‌توان تنها منبعث از قوه تخیل هنری دانست.

کلیدواژه‌ها: رئوس ملائکه، روایات اسلامی، عصر قاجار، چاپ سنگی، تصویرپردازی.

* مقاله پژوهشی؛ تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۱۲/۱۵؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۷/۰۵/۲۴.

۱. نویسنده مسئول

A comparative Study of the Illustration of Arch Angels in the Lithographic Print of the Book "Ajib al-Makhlough wa Gharāeb al-Mojoudāt" and the Islamic Traditions

Mustafa La'l Shateri(Corresponding Author), PhD Student in Post-Islam History of Iran, Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Ali Nazemianfard, Associate Professor at Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Hadi Vakili, Associate Professor at Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

With the advent of the lithography industry in Iran during the Qajar era, a host of books were published. In this period, the addition of illustrations related to the contents was one of the needs of publishers. This paper tries to investigate the level of correspondence between paintings of arch angels (Raphael, Michael, Gabriel and Azrael) in the lithographic print of the book "Ajib al-Makhlough wa Gharāeb al-Mojoudāt" (1264 AH version) and Quranic verses and Islamic traditions using a descriptive-analytical method. The findings suggest that the illustrator of this book, Aligholi Khoei, has drawn the figures of these angels for their visual beauty inspired by artistic learning one the one hand and for adaptation with Quranic verses and sources of narratives from a religious approach on the other, though in some cases they are influenced by social norms and beliefs. However, the analytical review of illustrations based on existing reports demonstrates that Khoei is largely influenced by Islamic traditions so that religiously inspired illustrations cannot be considered as the only source of artistic imagination.

Keywords: Islamic Revolution, Qajar era, Lithography, Illustration

مقدمه

عجایب‌نگاری از جمله موضوعاتی محسوب می‌شود که در باورهای عامیانه و آثار کهن هنری مورد توجه قرار داشته است. از این رو بازتاب آن داستان‌های عامیانه که همراه با تصاویر منحصر به فرد و گاه غیر عقلانی است، در متونی همچون جغرافیا، نجوم و طب دیده می‌شود. چنین به نظر می‌رسد که در متون جغرافیایی، بیش از سایر علوم به این جریان توجه شده که یکی از این موارد کتاب *عجایب المخلوقات* و *غرایب الموجودات*، اثر محمدبن محمود مکمونی قزوینی (متوفی ۶۸۲ ق) است. این اثر، ابتدا به زبان عربی تألیف شد و در جهان اسلام نشر یافت و سپس به زبان‌های فارسی و ترکی ترجمه گردید.^۱ *عجایب المخلوقات* دارای ساختار دایره‌المعارفی و دربردارنده موضوعاتی در زمینه شگفتی‌های موجودات و آفریدگان جهان، ستاره‌شناسی، انواع ملانکه، در حقیقت بحرها و جزایر، در حقیقت انسان، جن و شیاطین، در حقیقت سرزمین‌ها و گونه‌های گیاهی و سرانجام با احوال حیوانات عجیب‌الشکل و مرکب پایان می‌پذیرد. به احتمال فراوان، هدف این کتاب جمع‌آوری داستان‌های نادر از کتب متعدد در جهت آشنا ساختن مخاطب با عجایب و غرایب جهان (مبتنی بر اسم کتاب) بوده است.

با توجه به علایق اجتماعی در زمینه مطالعه داستان‌هایی با درون‌مایه اعجاب‌انگیز، از عجایب المخلوقات به‌ویژه در قالب مصور - اعم از خطی و چاپ‌سنگی - در ممالک مختلف نسخه‌هایی یافت می‌شود. در بعضی از آن‌ها تصویرپردازی، مطابق توصیفات متن در جهت فهم بیشتر مخاطب به خلق تصاویر پرداخته و در مواردی فراتر از توصیفات، با بهره‌گیری از باورها و آگاهی‌های فردی و اعمال سلاطین شخصی، به مصورسازی داستان‌ها توجه داشته است. اما در نسخه مورد نظر، در تصاویری همچون رئوس ملانکه که دربردارنده درون‌مایه دینی است، قرآن و متون روایی یکی از منابع الهام نقاش بوده است، چنانکه در این بین سایر موارد همچون هنجارهای حاکم بر جامعه را نیز می‌توان از جمله موضوعات تأثیرگذار دانست.

در دهه‌های اخیر، در زمینه مصورسازی رئوس ملانکه در *عجایب المخلوقات* قزوینی، به‌ویژه نسخه مصور شده چاپ سنگی (۱۲۶۴ ق) آن در عصر قاجار و ویژگی‌های هنری این تصاویر، تحقیقی صورت پذیرفته و صرفاً اولریش مارزلف، در تصویرهای کتاب چاپ سنگی ایرانی با محوریت قصه‌های پیامبران (۲۰۰۲)^۲ و نمایش تصویرگرایانه مضامین شیعی در کتاب‌های چاپ سنگی عصر قاجار (۲۰۱۱)^۱، با

۱. از این کتاب، تحریری به زبان عربی در دست است که نخستین بار در سال ۱۸۴۹ م. به کوشش فردیناند ووستنفلد در گوتینگن چاپ شد. همچنین ترجمه‌هایی به زبان فارسی از آن موجود است که میان آن‌ها نسخه‌هایی از یک تحریر/ترجمه با ویژگی‌های زبان کهن دیده می‌شود. کهنگی این تحریر/ترجمه چنان است که برخی را بر آن داشته تا این احتمال را مطرح سازند که نگارش این متن به وسیله مؤلف انجام شده است. این تحریر فارسی چندبار به صورت چاپ سنگی منتشر شده است (صفری‌آق‌قلعه، ۱۳۹).
۲. Der lithographische Druck einer illustrierten persischen Prophetengeschichte.

وجود نگاهی نو به حوزه چاپ سنگی در ایران، اشاراتی گذرا و عمومی در زمینه تأثیر باورهای مذهبی (تحت تأثیر از مباحث قرآنی و روایی) بر نقاشان در تصاویر چاپ سنگی دوره قاجار داشته است. همچنین ارکیدۀ ترابی در عجایب الخلوقات قزوینی در تصاویر چاپ سنگی علیقلی خویی (۱۳۹۳)، ضمن معرفی این نسخه و جایگاه آن و ارائه تصاویری کامل، از پرداختن به تأثیر باورها و آگاهی‌های اعتقادی خویی در خلق تصاویر دارای درون‌مایه دینی، همچون رئوس ملائکه، خودداری کرده است.

در مقاله حاضر سعی شده تا به این پرسش پاسخ داده شود که مفاهیم و سرچشمه مصورسازی رئوس ملائکه در این اثر چه بوده و نحوه خلق تصاویر از سوی خویی بر چه اساسی صورت گرفته است؟ به نظر می‌رسد در نسخه مذکور، تصویرپردازی رئوس ملائکه تا حد بسیار زیادی نشأت گرفته از باورهای دینی و منطبق با آیات قرآنی و متون روایی باشد و نمی‌توان آن را بنا به نقل گروهی از محققان، خیال‌آمیز محض و فاقد اساس دانست. هر چند به احتمال فراوان، علیقلی خویی به دلیل آزادی عمل نسبی که از آن برخوردار بوده، عناصر تخیلی را نیز به کار خود وارد ساخته است. همچنین می‌بایست به نقش باورهای عامیانه در ترسیم رئوس ملائکه توجه داشت، چراکه هر اثر هنری زاینده باورها و هنجارهای حاکم محسوب می‌گردد. از این رو، تلاش می‌شود از زوایای مختلف هنری، روایی و تاریخی، در ابتدا اشاره‌ای گذرا به جریان ورود چاپ سنگی به ایران و دوران فعالیت علیقلی خویی و سپس به ماهیت رئوس ملائکه در منابع اسلامی - به دور از رویکرد حدیث شناسانه - پرداخته و میزان تطبیق ویژگی‌های ترسیم شده از آنان را در کتاب عجایب المخلوقات قزوینی با روایات ارزیابی گردد.

چاپ سنگی و دوران فعالیت خویی

در عصر قاجار به کوشش گروه اندکی از دولتمردان، زمینه‌های اولیه برای نشر تمدن و فرهنگ ایرانی و نیز کسب دستاوردهای نوین علمی مبتنی بر پیشرفت‌های غرب فراهم گردید که در این بین عباس میرزا نایب السلطنه (۱۲۴۹-۱۲۰۳ ق) را می‌توان نمونه‌ای شاخص در این حوزه دانست. او با آگاهی از جایگاه چاپ و تأثیر آن بر دسترسی آسان به کتاب‌های گوناگون برای تمامی اقشار در قالب تألیف، ترجمه و گاه بازنویسی نسخ خطی، میرزا زین‌العابدین تبریزی را مأمور فراگیری فن چاپ و راه‌اندازی چاپخانه در تبریز نمود، از این رو، اولین چاپخانه از کشور روسیه وارد ایران شد. در پی رشد و استقبال از کتاب‌های انتشار یافته، عباس میرزا در ۱۲۴۰ ق. میرزا جعفر تبریزی را به سنت پترزبورگ اعزام کرد تا در زمینه صنعت چاپ اطلاعاتی کارآمدتر از گذشته کسب و آموخته‌های خود را مبتنی بر الگوهای اروپا تکمیل و همچنین یک

دستگاه چاپ سنگی را برای تسهیل فرآیند چاپ در ایران، خریداری کند (Marzolph, Persian 207-208; Incunabul, 308-309; Green, 354; Azizi).

چنین به نظر می‌رسد که در حوزه چاپ سنگی، کتاب‌های مصور با رواج و استقبال همراه بوده و در این میان تصاویر چاپی با مضامین شاهنامه، خمسه نظامی، قصه‌های عاشقانه و حکایات عامیانه در نسخ متعدد انتشار یافت، چراکه این تصاویر از سویی موجب غنای هنری کتاب‌ها و از سویی جذب هرچه بیشتر خوانندگان می‌شد. با این وجود، نقاشی‌های آن تا حدودی تحت تأثیر سبک‌های پیشین و نیز با تقلید نسبی از باورهای عامیانه همراه بود. چنانکه تصاویر کتاب‌هایی همچون خاورنامه‌ها^۱، روضه‌الشهدا، جامع‌المعجزات، معراج‌نامه‌ها، هزار و یک‌شب و نیز عجایب‌المخلوقات را می‌توان شاهدی بر این مدعا دانست (فدوی، ۱۱۸؛ Emami, 59-60).

در این بین تصویرسازان کتب چاپ سنگی در زیرشاخه خالقان آثار عامیانه قرار گرفتند، چنانکه از جمله برجسته‌ترین این مصوران میرزا علیقلی خوبی بود. او اهل شهرستان خوی در آذربایجان غربی و دوران جوانی را در تبریز گذراند؛ جایی که نخستین بار چاپ سنگی - قبل از انتقال به تهران - در آن شهر معرفی شد. مطابق با عنوان میرزا در ابتدای نامش، می‌توان او را فردی باسواد و دارای معلومات دانست و از سویی مبتنی بر نظام شاگرد-استادی رایج در دوره قاجار به احتمال فراوان از زمره شاگردان اساتید برجسته نقاشی تبریز بوده است. خوبی بلافاصله بعد از آغاز سلطنت ناصرالدین شاه ۱۲۶۴ ق. به دربار پیوست و در همان سال نیز عجایب‌المخلوقات مصور به نقاشی‌های او انتشار یافت. خوبی در کتاب‌های گوناگون عناوینی را برای خود ذکر کرده است که از جمله آن‌ها می‌توان به «فراشِ قبله عالم»، «بنده درگاه»، «خادم مدرسه دارالفنون» و «نقاش» اشاره داشت. با این حال، او در زمره نقاشان دربار محسوب نمی‌شد، چراکه اکثر آنان در نقاش‌خانه که در داخل کاخ یا در محلی نزدیک به آن قرار داشت به‌فعالیت مشغول و از امکانات ویژه‌ای برخوردار بودند. اما با توجه به نامیدن خود به‌عنوان فعال در دارالفنون، چنین به نظر می‌رسد که به‌واسطه استقبال دارالفنون از رشته نقاشی و فراهم آوردن زمینه فعالیت هنرمندان و متقابلاً آموزش‌های لازم برای هنرجویان، او در این مدرسه اشتغال یا به خلق تصاویر سفارشی جهت کتاب‌های آموزشی پرداخته است.^۲ در مجموع، خوبی جزء پرکارترین تصویرگران این دوره بود، به‌نحوی که این مصور را باید بنیان‌گذار سبک تصویرگری چاپ سنگی در ایران دانست؛ چراکه آثار او بارها به‌وسیله هنرمندان

۱. منظومه‌ای حماسی-مذهبی، سروده ابن‌حسام خوسفی، که دارای درون‌مایه رشادت‌های حضرت علی (ع) در سرزمین افسانه‌ای خاوران است (برای اطلاع بیشتر رک: Melvill, 226).

۲. به احتمال فراوان در پی رواج غرب‌گرایی در نقاشی عصر ناصری و پس از آن، به‌ویژه آموزش به تقلید از آثار و سبک هنرمندان مشهور غربی در مدرسه دارالفنون (لعل شاطری، ۲۵۲)، به تدریج سبک خوبی که چندان مبتنی بر مبانی نقاشی اروپایی نبود، مورد استقبال و حمایت حامیان درباری قرار نگرفت.

معاصر و پس از او گرده برداری شد و غالب تصویرگران مستقیماً از محضر او یا به شکل غیر مستقیم از تأثیر آثارش بهره برده‌اند^۱ (مارزلف، تصویرسازی داستانی در کتاب‌های چاپ‌سنگی، ۵۰؛ بوذری، ۱۲؛ صمدی، ۲۶-۲۷).

در نسخه ۱۲۶۴ ق. عجایب المخلوقات که کتابت آن بر عهده نصرالله تفرشی قرار داشته است، خوبی با ظرافتی انحصاری به خلق تصاویر بی شماری در موضوعات گوناگون از عجایب عالم پرداخته است که در این بین تعدادی از نقاشی‌های او در توضیح رئوس ملائکه است. هرچند برخی منتقدان، عجایب‌نامه‌ها را گونه‌ای منحصر به فرد قلمداد کرده و بر این باور هستند که بیرون آمدن از قالب جغرافیایی صرف و تبدیل این علم به زمینه‌ای برای خیال‌پردازی و داستان‌سازی، به خلق اثری جذاب انجامید و عجایب‌نویسی به تدریج در پی استقبال مردم رونق و آثاری نیز در این حوزه نگارش یافت (براتی، ۴۷)، اما تعمیم واژه خیال‌پردازی به تمامی نسخه‌های مصور فاقد نگاهی تحلیلی و علمی است. هرچند عجایب المخلوقات دارای قالبی دایره‌المعارفی و بیانگر موضوعاتی عجیب و گاه غیر قابل باور است (وسل، ۵۱)، اما باید توجه داشت که نمی‌توان کلیه تصاویر به کار رفته در این گونه از آثار همچون اثر قزوینی را خیالی و نشأت گرفته از سلیق هنری و نیز صرفاً برای همخوانی با متن دانست، بلکه در مواردی دارای بن‌مایه اسلامی و متأثر از باورها و اطلاعات روایی است. بر این اساس، نتیجه‌گیری تام همچون این دیدگاه که اثر قزوینی چه در اصل عربی و چه ترجمه‌های آن^۲ به دیگر زبان‌های دنیای اسلام، دارای تصویرسازی سرشار از خرافات و پندارهایی فاقد روح علمی و صرفاً جلوه‌هایی خیال‌آمیز است (عکاشه، ۳۳۱)، از صحت استواری برخوردار نیست.

رئوس ملائکه

ملک یا فرشته که در زبان‌های کهن ایرانی، سروش و در عربی ملک و هاتف گفته می‌شود، موجودی لطیف و نامرئی می‌باشد که در اغلب ادیان توحیدی وصف آن ذکر شده است. در آیین یهود، فرشتگان واسطه میان خدا و جهان مادی محسوب گردیده و در انجیل نیز چندین بار از آن‌ها نام برده شده است؛ اما آبای نخستین کلیسا برای پرهیز از تشابه به گنوستیک‌ها، کمتر از ماهیت فرشتگان سخن می‌گفتند.

۱. مارزلف در یک پژوهش دقیق، درباره گستره فعالیت خوبی اشاره داشته که او طی ۱۰ سال، حدوداً تصاویر ۳۰ کتاب را امضاء کرده است. همچنین خوبی بیش از هزار و دویست تصویر در اندازه‌های مختلف نقاشی کرده که کوچک‌ترین آن به اندازه یک تمبر و بزرگ‌ترین آن تمام صفحه است. به علاوه این هنرمند تذهیب‌های ظریف فراوانی برای سر فصل و خاتمه کتاب‌ها اجرا و همچنین حدود دویست مینیاتور و طراحی تزیینی از خود به یادگار گذاشته است (مارزلف، تصویرسازی در کتاب‌های چاپ‌سنگی فارسی، ۱۷۱).

۲. دست نوشته این اثر در موزه مونیخ آلمان موجود است (اکبری، ۶۴؛ نیز رک: Lewicki, 866-867).

کاتولیک‌ها نیز معتقد بودند که ملائک موجوداتی مجرد از ماده هستند و آفریش ایشان پیش از انسان صورت پذیرفته و دارای سلسله مراتبی هستند. همچنین در آیین زرتشتی مراد از واژه ایزد، فرشتگان بوده است^۱ (یاحقی، ۶۱۶-۶۱۵).

قزوینی در کتاب خود موجودات را به دو قسم مرئی و نامرئی تقسیم می‌کند و فرشتگان را در زمره قسم دوم می‌شمارد (قزوینی، ۲۸). او در ادامه، ساکنان سماوات را فرشتگان معرفی می‌کند و می‌نویسد: «ملک جوهری است بسیط که در حیات و عقل و نطق مقدس باشد از ظلمت و شهوت و کدورت و غضب لا یعصون الله بامرهم و یفعلون ما یومرون»^۲ طعام ایشان تسبیح باشد و شراب ایشان تقدیس. دانش ایشان به ذکر باری تعالی باشد و شادی ایشان به عبادت باری تعالی [...] و اما اصناف ملائکه جز باری تعالی کس نداند [...] وجود ملائکه از بهر صلاح عالم است و تمام موجودات و کمال اشیا و عقل را مجال و محل نیست در معرفت ایشان الا به طریق انبیاء» (همان، ۲۹).

دین مبین اسلام، در قرآن و روایات، علاوه بر معرفی موجودات و نعمت‌های ظاهری و محسوس، به آفریده‌های دیگر اشاره داشته که برای انسان یارای درک حسی آنان میسر نیست. دسته‌ای از این موجودات ملائکه‌اند و از آنجایی که با حواس ظاهری درک نمی‌شوند، از ویژگی‌های وجودی و ماهیت ایشان نیز نمی‌توان آگاهی و تصویری یقینی عرضه داشت. حضرت علی (ع) می‌فرماید: خدا فرشتگان را در صورت‌های مختلف و اندازه‌های گوناگون آفرید و بال و پرهایی برای آن‌ها قرار داد (شریف‌رضی، ۱۶۱). نیز درباره اقسام فرشتگان بیان داشته‌اند: «آنان را آفریدی و در آسمان‌هایت جا دادی، نه سستی دارند، نه غفلت، نه گناه، از همه به تو داناترند و از تو ترسان‌تر، به تو نزدیک‌ترند و از تو فرمانبرتر، نه خواب دارند و نه از هوش روند و نه تشنه‌سُست شود، نه پشت پدر بودند و نه رحم مادر دیدند و نه از نطفه آفریده‌اند، یکباره آن‌ها را آفریدی و در آسمان‌هایت جا دادی و در پناهت ارجمند داشتی و امین وحی خود ساختی، از هر آفتشان دور داشتی و از هر بلا برکنار نمودی و از هر گناه پاک» (مجلسی، آسمان و جهان، ۱۵۱/۳). همچنین از پیامبر (ص) نقل شده است که «ایمان آن است که به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و پیغمبرانش ایمان آوری و فرشتگان دارای عصمت‌اند و واسطه بین خدا و پیغمبرانش به آوردن کتاب و رساندن وحی هستند و می‌میرند پس از مدّت درازی و گفته‌اند: آن‌ها نه تر هستند و نه ماده و نه میزایند و نه می‌خورند و نه می‌آشامند، لذّت آنان ذکر خداست و زندگانی‌شان معرفت و طاعت او» (صحیفه سجادیه، ۵۲-۵۱). از این

۱. برای اطلاع بیشتر و آگاهی از جدیدترین یافته‌ها و دیدگاه پژوهشگران غربی ر.ک (Douyere, 189-191; Thrope, 34-38; Agamben, 118-121; Sulavik, 211-219).

۲. برگرفته از آیه «یا ایها الذین آمنوا قوا أنفسکم وأهلیکم نارا و قودها الناس و الجواره علیها ملامکه غلاظ ثینا لا یعضون الله ما أمرهم و یفعلون ما یؤمرون» (تحریم: ۶).

رو، یکی از موضوعات مهم اسلامی و معتقدات ضروری، وجود ملائکه و ایمان به آن است. در آیات قرآن کریم این امر چنان اهمیت دارد که در ردیف ایمان به خدا و روز قیامت ذکر شده (بقره: ۲۸۵) و نیز در آیه «وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ» (بقره: ۱۷۷)، ایمان مرکب از پنج واقعیت از جمله ملائکه ذکر شده است. همچنین، انکار فرشتگان، مساوی با کفر بیان شده، چنانکه درباره قوم یهود آمده است: «مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ» (بقره: ۹۸).

قرآن کریم صفات فرشتگان را چنین بیان می‌دارد: موجوداتی عاقل و باشعور و بندگان گرامی خدا و فارغ از معصیت (انبیاء: ۲۶)، عهده‌دار وظایف الهی، چنانکه گروهی حامل عرش (حاقه: ۱۷)، گروهی مدبر امور (نازعات: ۵)، گروهی ستاننده جان (اعراف: ۳۷)، گروهی مراقب اعمال انسان‌ها (انفطار: ۱۰)، گروهی حافظ جان انسان از خطرات (انعام: ۶۱)، گروهی مأمور عذاب و مجازات (هود: ۷۷)، گروهی مأمور امدادهای الهی (احزاب: ۹)، گروهی رساننده وحی و کتب آسمانی (نحل: ۲) و گروهی پیوسته در حمد و ستایش پروردگار (شوری: ۵) هستند. در این بین، گروهی از ملائک به‌عنوان سرپرست و برترین ملائک معرفی شده‌اند. در بین ملائکه الهی، چهار ملک از قریب خاص برخوردار هستند که در لسان حکما و فلاسفه الهی از آن‌ها تعبیر به «رئوس ملائکه» شده است. در روایات و اخبار از این چهار ملک، به‌صراحت سخن رفته و از قول پیامبر (ص) فرشتگان برگزیده خداوند را، جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل نامیده‌اند (ابن بابویه، فضائل الأشهر الثلاثة، ۸۳؛ ابن بابویه، کمال‌الدین، ۱/ ۲۶۱؛ قتال نیشابوری، ۲/ ۴۰۵؛ ابن بابویه، خصال، ۱/ ۲۲۵) و نیز آمده است که خداوند آنان «را از یک تسبیح آفریده و گوش و دیده و خرد و سرعت فهم بدان‌ها داده است» (مجلسی، آسمان و جهان، ۳/ ۱۵۱).

این فرشتگان از خلقت حضرت آدم (ع) با انسان در تماس و به‌خدمت هر یک از پیامبران رسیده‌اند و به امر الهی بر آنان ظاهر می‌شدند، چنانکه در شرایط گوناگون با پیامبر (ص) در ارتباط^۱ و از جمله وظایف اصلی آنان نظارت بر اعمال پیروان حضرت بیان شده است (ابن بابویه، عیون أخبار الرضا (ع)، ۳/ ۲؛ ابن بابویه، الامالی، ۶۳۴؛ طبری آملی، المستترشد فی إمامة علی بن ابی طالب (ع)، ۳۴۷؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۳/ ۱۲۱؛ طوسی، الامالی، ۵۴۷؛ شعیری، ۸۰؛ ابن بابویه، علل الشرائع، ۲/ ۵۷۹). پس از آن نیز این ملائک پیوسته در خدمت خاندان پیامبر (ص) بودند، به‌نحوی که «خداوند، جبرئیل و میکائیل و اسرافیل را به اطاعت علی و برائت از دشمنان او و استغفار برای شیعیانش اختصاص داد» (هلالی، ۲/

۱. برای نمونه، پیامبر (ص)، رئوس ملائکه را در آخرین لحظات عمر شریف خود، به‌عنوان شاهد جهت وصیت خویش به حضرت علی (ع) معرفی داشت (ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۴/ ۲۳۶؛ ابن طاووس، طرف من الانباء، ۱۵۱).

۸۵۸؛ و نیز ر.ک: کلینی، ۸/۳۲۱؛ کوفی، ۵۵۳؛ ابن قولویه، ۱۴۵). این ارادت ویژگی شاخصی برای آنان رقم می‌زند و موجب تفاخر بر سایر ملائک می‌شود (ابن‌شاذان، ۱۳۲؛ ابن‌بطریق، ۲۷۴؛ طبرسی، الإحتجاج، ۱/۴۳؛ صفار، ۱/۹۵). بنا به روایات، این محبت و ایمان تا زمان ظهور وصی پیامبر (ص) ادامه خواهد داشت و در آن رؤس ملائک از یاران اصلی حضرت قائم (عج) خواهند بود (ابن‌ابی‌زینب، ۲۳۴؛ ابن‌طاووس، التشریف‌بالمنن، ۱۴۵).

گویا این ملائک در لحظات حضور در نزد پیامبران الهی از نظر ویژگی‌های مشترک، با ظاهری همچون انسان ظاهر می‌شدند. در داستان قوم لوط آمده است «آن‌ها که همگی عمامه بر سر داشتند سر راه خود به ابراهیم برخوردند و بر او سلام کردند، ابراهیم ایشان را نشناخت، ولی شکل و هیأت خوبی در آن‌ها مشاهده کرد» (کلینی، ۱۱/۲۵۹). نیز آمده است که آنان در ظاهر جوانانی زیبارو و رشید بر قوم لوط ظاهر شدند (ابن‌بابویه، ثواب الأعمال، ۲۶۴؛ بقری، ۱/۱۱۱؛ عیاشی، ۲/۱۵۵). در سایر منابع چنین ذکر شده که پیامبر (ص) به حضرت علی (ع) بیان داشتند که تعدادی از جملات مقدس بر پیشانی رؤس ملائکه نوشته شده است (ابن‌بابویه، خصال، ۲/۵۱۰؛ ابن‌اشعث، ۲۴۸).

اسرافیل

اسرافیل^۱ در عبرانی «سرافیم» و «سرافین» به معنی بنده خداوند است (باحقی، ۱۱۸). پیامبر (ص) اسرافیل را سید (بزرگ) ملائکه دانسته (ابن‌حیون، ۱/۲۲۳؛ ابن‌شاذان قمی، ۱۴۸) و فرموده‌اند: «هنگامی که خداوند اسرافیل را آفرید بر پیشانی او مکتوب داشت: لا إله إلا الله، مُحَمَّد رسول الله، عَلِي أمير المؤمنين» (طبرسی، الإحتجاج، ۱/۱۵۸؛ و نیز ر.ک: ابن‌طاووس، مهج الدعوات، ۹). همچنین این ملک گاه در روایات حامل عرش نامیده شده است^۲ (طوسی، مصباح‌المتجهّد، ۲/۸۰۸؛ کفعمی، ۵۳۲). علاوه بر این، ذکر گردیده که سه سال قبل از نزول وحی بر پیامبر (ص)، با ایشان در ارتباط بوده است (طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ۲/۳۸۶؛ یعقوبی، ۲/۲۳؛ ابن‌سعد، ۱/۱۵۰).

مبتنی بر روایات، میان دو چشم اسرافیل لوحی قرار دارد و زمانی که خداوند می‌خواهد به واسطه وحی با فرستاده خود صحبت کند، آن لوح بر پیشانی اسرافیل ظاهر می‌شود. پس اسرافیل در آن نگاه می‌کند و نوشته آن را به میکائیل و او به جبرئیل القاء و جبرئیل بر پیغمبران نازل می‌نماید. آن لوحی است محفوظ، طول آن به اندازه فاصله میان آسمان و زمین و عرض آن از مشرق تا مغرب و به عرش وابسته است. پس

۱. امام سجاد (ع) بیان داشته‌اند هرچه که به «ایل» اضافه شود عبدالله «بنده خدا» معنا دارد (صحیفه سجاده، ۵۲-۵۱).

۲. گویند «او نزدیک‌ترین آفریده‌ای است به خدای تعالی. یک پر او در مشرق است و یک پر او در مغرب و عرش بر دوش او قرار دارد» (مقدس، ۱/۳۹۶).

خداوند چون اراده نماید تا در میان مخلوقات امری را جاری سازد، آن لوح بر پیشانی اسرافیل قرار می‌گیرد (ابن بابویه، معانی الأخبار، ۸۱؛ مفید، ۱۲۰؛ ابن طاووس، جمال الأسبوع، ۲۵۲؛ ابن طاووس، سعد السعود، ۲۲۶؛ قمی، ۲/ ۴۱۵-۴۱۴؛ ابن بابویه، التوحید، ۲۶۴؛ خصیبی، ۱۱۳؛ مقدسی، ۱/ ۲۲۴).

اما در توصیف ظاهر اسرافیل، جبرئیل بیان داشته است: «چگونه‌ای اگر اسرافیل را بینی که دوازده بال دارد یکی در مشرق و یکی در مغرب و عرش بر دوش او است و بسا از عظمت خدا چنان کوچک شود که مانند پرنده‌ای کوچک‌تر از گنجشک شود، تا عرش او را جز عظمتش بر ندارد» (مجلسی، آسمان و جهان، ۳/ ۲۱۶). نیز در ماجرای زندگانی ذوالقرنین، اسرافیل دارای ظاهری جوان و سفیدرو و دارای لباسی درخشان توصیف شده است (جزائری، ۲۴۰). همچنین در روایتی دیگر چنین بیان شده که «اسرافیل چهار بال دارد، دو تا در هوا و دو تا به خود بسته و پیراهن کرده و بالی هم بر دوش او است و قلم بر گوش او، چون وحی رسد قلم بنگارد و فرشته‌ها بخوانند» (مجلسی، آسمان و جهان، ۳/ ۲۱۹).

نفخ صور حقیقتی است که در قرآن کریم در مواضع مختلف و با عباراتی متفاوت از قبیل «صَیْحَه»، «رَجْرَه»، «نُقْرَفِی النَّاقُور»، «صَاخَه» و «قَارِعَه» تعبیر شده است (انعام: ۷۳؛ زمر: ۶۸؛ نمل: ۸۷؛ یس: ۵۱؛ حاقه: ۱۳؛ مومنون: ۱۰۱؛ طه: ۱۰۲؛ کهف: ۹۹؛ نبأ: ۱۸؛ ق: ۲۰). یکی از وظایف اصلی اسرافیل، دمیدن در صور است؛^۱ چنانکه او را همواره آماده انجام این فرمان الهی توصیف کرده‌اند (قضاعی، ۲۹۲؛ ابن شهر آشوب، مشابه القرآن، ۱/ ۲۵۸). پیامبر (ص) درباره وضعیت قرارگیری اسرافیل بیان داشته‌اند: «صاحب صور آن شیپور مخصوص را به دست گرفته و روی انگشتان نشسته و گوش فرا داده است تا فرمان برسد و او در صور بدمد [...] وقتی که صاحب صور مبعوث می‌شود، پس صور را به طرف دهانش گرفته و یک پا جلو و پای دیگر عقب گذاشته منتظر فرمان خدا برای دمیدن در صور است» (ورام بن اُبی فراس، ۱/ ۲۹۲). همچنین درباره ویژگی ظاهری صور این ملک، امام سجاد (ع) فرموده‌اند: «صور اسرافیل شاخی است بزرگ که یک سر و دو طرف دارد و بین آن طرفی که به سوی زمین است تا آن طرفی که بالاست به سوی آسمان مانند فاصله زمین‌های هفتگانه تا فراز آسمان هفتگانه است. در آن صور سوراخ‌هایی است به شماره روح مردم، گشادی دهن آن صور به اندازه بین زمین و آسمان است» (دیلمی، إرشاد القلوب، ۱/ ۵۳).

با توجه به روایات، نخستین نکته مورد توجه در ویژگی‌های ظاهری اسرافیل، قرارگیری لوح محفوظ بر پیشانی او است. به احتمال فراوان، علیقلی خوبی با استفاده از لوح به عنوان یک عنصر کلیدی، از اسرافیل

۱. روایت است که از جهت قرار گرفتن روح در بدن، اسرافیل اسم اعظم الهی را می‌خواند و به برکت آن، روح در رجم مسخر می‌شود و به‌هنگام فرا رسیدن مرگ، اسمی می‌خواند که روح از بدن جدا می‌شود (مجلسی، لوامع صاحبقرانی، ۱۴۳/۵).

تصویری متفاوت نسبت به سایر رئوس ملائکه آفریده است. دارا بودن چهار بال وجه دیگر تمایز این فرشته محسوب می‌گردد، چراکه دیگر رئوس ملائکه تنها با ۲ بال مصور گردیده، که به احتمال فراوان این تصویرپردازی منبعث از نقل امام سجاد (ع) بوده است. دیگر ویژگی اسرافیل، در دست داشتن صور است. در این تصویر او دارای شیپوری بزرگ، دارای دو سر و منافذ فراوان است که آن را در دست گرفته و به حالت دو زانو نشسته است؛ در حالی که معمولاً این ملک را باید به صورت ایستاده و در حال دمیدن صور ترسیم گردد، ولی نقاش با تزیینی و با توجه به روایات حالت در انتظار بودن او را مد نظر داشته است، چراکه هنوز اسرافیل مأمور دمیدن در صور نگردیده و از دیدگاه خوبی انتظار اسرافیل بدین شیوه است، که شاید بتوان آن را تا حدودی به سبک رفتاری مأموران دوره قاجار در هنگام انتظار، جهت انجام کاری نسبت داد.

میکائیل

از جمله ملائکه مذکور در قرآن میکائیل است، چنان‌که دشمنی با او در ردیف دشمنی با خدا و دشمن او کافر معرفی شده است (بقره: ۹۸). معنای لغوی «میکائیل» عبیدالله (بنده کوچک خدا) ذکر شده (ابن بابویه، معانی الأخبار، ۴۹) و او حلقه واسطه وحی از اسرافیل به جبرئیل بوده است (ابن بابویه، معانی الأخبار، ۲۳؛ شعیری، ۱۴۰؛ ابن بابویه، اعتقادات الإمامیه، ۸۱). در روایات میکائیل فرشته موکل بر نباتات، باران و ارزاق خلایق است و حکمت و معرفت و نفوس به او تعلق دارد (ابن‌ابی‌الحدید، ۹۴/۱؛ ابن‌جوزی، ۱۹۳/۱؛ مجلسی، بحارالأنوار، ۱۰۱/۵۴)، چنانکه حتی دشمنان پیامبر (ص) در احتجاجات خود میکائیل را وسیله نزول رحمت می‌دانستند (طبرسی، الإحتجاج، ۴۲/۱).

علاوه بر این، گویا این ملک از جایگاهی رفیع در میان ملائک برخوردار است، چنان‌که حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «مؤذن اهل آسمان‌ها جبرئیل و امام و پیشنمازشان میکائیل است که نزد بیت‌المعمور بر آن‌ها امامت می‌نماید، زیرا امامت مقام بلندی است در طاعت و بندگی که شایسته نیست آن را جز کسی که مقامش بالاتر و شرائط امامت را جامع‌تر باشد» (صحیفه سجادیه، ۵۲-۵۱). همچنین برای او قدرتی ویژه ذکر شده، به نحوی که در داستان لوط آمده است که «میکائیل - بال خود را در زیر سرزمین آنان - که دارای پنج قریه بود - فرو برد و چنان همه را از جای برکند و به آسمان بُرد که اهل آسمان بانگ خروس‌ها و عوعو سگ‌های ایشان را شنیدند» (ابن‌اثیر، ۱۲۱/۱). با وجود این، درباره ویژگی‌های ظاهری میکائیل توصیفات بسیار اندکی ذکر شده و به احتمال فراوان تنها منبع، نقل پیامبر (ص) در شب معراج است؛ «پیامبر خدا (ص) به جبرئیل فرمود: چرا من هیچ وقت میکائیل را خندان ندیده‌ام؟ عرض کرد: میکائیل از زمانی که آتش دوزخ را آفریدند هرگز نخندیده است» (ورام‌بن‌ابی‌فراس، ۶۶/۱؛ و نیز ر.ک: ابن‌ابی‌الحدید، ۳۶/۱۰).

آنچه مشهود است، توصیفات بسیار اندک از این ملک در روایات، علی‌قلبی خوبی را بر آن داشته تا با کمترین اطلاعات اقدام به تصویرگری کند. از این جهت، او بر ویژگی بخشندگی و رحمت میکائیل تأکید و ملکی را با دستانی باز که نشانگر سخاوت است ترسیم کرده است. از سویی دیگر، به این دلیل که روایات به تعداد بال‌های میکائیل اشاره نداشته‌اند، او را با تکیه بر باورهای عامیانه با ۲ بال در هیبت دختری زیبارو مصور ساخته است. در این بین، گویا خوبی به‌روایت مبنی بر خندان نبودن این ملک چندان توجهی نداشته و مبتنی بر باورهای فردی و اجتماعی که صرفاً عزرائیل را داری چهره‌ای عبوس و خشن متصور بوده‌اند، میکائیل را با چهره‌ای نسبتاً آرام و با نشاط مصور ساخته است، که به‌احتمال فراوان این جریان نیز نشانگر غلبه ویژگی بخشندگی او بر سایر صفات است.

جبرئیل

اشتهار این ملک به‌عنوان رساننده وحی به پیامبر اکرم (ص) است. در آیات قرآن از وی با نام روح‌الامین نام برده شده و پنج صفت «رَسُولِ کریم»، «ذی قوه»، «مکین»، «مُطَاع» و «أَمین» برای او آمده است که جملگی بیانگر عظمت و مقام اوست (بقره: ۹۷؛ شعرا: ۱۹۲؛ تکویر: ۲۰). پیامبر (ص) درباره خلق این ملک فرموده است: هنگامی که خداوند جبرئیل را آفرید بر بال‌های او مکتوب داشت: لا إله إلا الله، مُحَمَّد رَسُولُ الله، عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (طبرسی، الإحتجاج، ۱/۱۵۸). جبرئیل از جمله همراهان پیوسته پیامبر (ص) در طی دوران حیات ایشان بود، چنانکه به اذن الهی و به‌دلایل گوناگون همچون نزول وحی، امداد غیبی و آگاهی از امور گوناگون نزد پیامبر (ص) حضور می‌یافت (ابن عبدالبر، ۴/۱۸۲۱؛ بلاذری، ۳/۱۴۲، بغدادی، ۲۲). با وجود ملازمت پیوسته، روزی حضرت تقاضا می‌نمایند تا جبرئیل چهره حقیقی خود را نشان دهد «پس چون [جبرئیل] از کوه‌های عرفات آشکار شد، میان مشرق و مغرب را پُر کرده بود. سرش در آسمان بود و پایش بر زمین و هزار بال داشت و چون پیامبر او را دید بیهوش افتاد تا آنگاه که جبرئیل در صورت دحیه کلبی [یکی از اصحاب خوش سیمای پیامبر (ص)] بر او ظاهر شد، همان صورتی که همیشه بر او ظاهر می‌گردید» (مقدسی، ۱/۷۴؛ و نیز ر.ک: مجلسی، آسمان و جهان، ۳/۲۱۶).

از جمله دیگر نکات مهم درباره جبرئیل یکسان بودن جایگاه او با میکائیل است. آمده است که خداوند بین جبرئیل و میکائیل پیوند برادری برقرار نمود و پس از آن پیوسته ملازم یکدیگر هستند^۱ (مسعودی، ۱۲۲؛

۱. حتی پیامبر (ص) جبرئیل و میکائیل را با لباس‌های یکسان و به رنگ سفید توصیف کرده است (قاضی ابرقوه، ۱/۱۵۲).

فتال نیشابوری، ۵۲/۱، ابن اثیر، ۶۰۰/۳؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب (ع)، ۱۸۵/۲. از این رو ابن حماد سروده است:

«باهی به الرّحمن أملاک العلی
لما انثنی من فرش أحمد یهجع
یا جبرئیل و میکائیل فانی
آخیت بینکما و فضلی أوسع»

(ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب (ع)، ۶۵/۲)

در همین زمینه روایت شده است که پیامبر (ص) هنگام مراجعت از بدر در منطقه ائیل نماز عصر را به جا آورد و چون رکعتی از نماز را خواند لبخندی زد و چون از علت آن پرسیدند فرمود: «میکائیل در حالی که هنوز بال هایش خاک آلود بود از کنار من گذشت، لبخندی زد و گفت در تعقیب دشمن بودم و جبرئیل هم پس از اینکه آن حضرت از جنگ بدر فارغ شده بود، در حالی که بر مادیانی سوار بود که موهای کاکلش را گره زده بود و اطرافش گرد و خاکی بود به حضورش رسید و گفت، پروردگار مرا به سوی تو اعزام و دستور فرموده است از تو جدا نشوم تا خوشنود و راضی باشی» (بیهقی، ۱۳۱/۳).

نخستین ویژگی تصویری جبرئیل طرز ایستادن او با بال‌های گشوده و به حالت دست‌به‌سینه و منتظر است. از آنجایی که او فرشته وحی بر پیامبر (ص) توصیف شده است، به احتمال فراوان خوبی این موضوع را در نظر داشته و با شیوه‌ای خاص حالت صورت جبرئیل را در قالب فردی در حال انتظار که به بالا و جانب عرش می‌نگرد و از سوئی او را با بال‌هایی کشیده‌تر مصور ساخته است. با توجه به ویژگی‌های تصویری مورد نظر خوبی می‌توان دریافت که میکائیل و جبرئیل چندان با یکدیگر تفاوتی ندارند (به جز اندازه بال‌ها) و تصویرگر شاخص‌هایی ویژه برای متمایز ساختن آن‌ها را در نظر نداشته است. چنین به نظر می‌رسد که ریشه این نگرش به دلیل برقراری عقد اخوت میان این دو ملک باشد و خوبی با آگاهی از این روایت، آن دو را تا حد بسیار زیادی مشابه یکدیگر تصویرپردازی نموده است.

عزرائیل

قبض روح افراد گاه از جانب خداوند، گاه به وسیله ملک‌الموت^۱ و در مواردی به فرشتگان مرگ نسبت داده شده است (زمر: ۴۲؛ سجده: ۱۱؛ انعام: ۶). درباره برعهده نهادن مسئولیت قبض ارواح به عزرائیل

۱. عزرائیل گاه «بریال» نامیده شده است (کافی، ۱۹۹/۸).

آمده است که به هنگام آفرینش آدم، چون جبرئیل، میکائیل و اسرافیل از آوردن مِشْتی خاک از زمین در ماندند، خداوند عزرائیل را فرستاد و او به قهر، مِشْتی خاک از زمین برگرفت و اطاعت از فرمان خدا را بر سوگند زمین ارجح دانست. پس خداوند فرمود: اکنون که سبب آفریدن این خلق به دست تو بود، مرگ آنان نیز به وسیله توست (ابن طاووس، سعد السعود، ۳۳؛ مجلسی، آسمان و جهان، ۸۱/۱؛ قطب‌الدین راوندی، ۴۲).

عزرائیل به اشکالی گوناگون بر افراد در هنگام قبض روح ظاهر می‌گردد (ابن اثیر، ۱/۱۲۳). گفته شده که ابراهیم (ع) از ملک الموت درخواست کرد تا چهره خود، در هنگام قبض روح افراد مؤمن را نشان دهد. پس ابراهیم (ع) «با جوانی خوش سیما و آراسته که رایحه مطبوع او فضا را آکنده بود مواجه گردید و به عزرائیل خطاب کرد اگر هر مؤمنی تنها این هیئت بی مثل را مشاهده کند تحقیقاً آرزوی دیگری نخواهد داشت» (جزائری، ۲۱۴). آنگاه ابراهیم (ع) از ملک الموت تقاضا کرد تا چهره خود در هنگام برخورد با انسان‌های فاجر و گناهکار را نشان دهد، پس «عزرائیل در غالب مردی سیاه و بد چهره که بوی کریه و موهای سیخ شده‌اش بر زشتی منظرش افزوده بود در برابر او ظاهر شد» (همان).

همچنین در اکثر روایات عزرائیل به صورت تنها ذکر گردیده و یارانی برای او توصیف نشده است، حال آنکه برای سایر رؤس ملائکه گاه هزاران ملک همراه بیان گردیده (طبرسی، إعلام الوری، ۲۷۶؛ واقدی، ۱/۷۱؛ هلالی، ۸۹۲/۲؛ حمیری، ۱۱۲) و این در حالی است که در مواردی صرفاً به همراهی نکیر و منکر به‌عنوان یاران عزرائیل اشاره شده است (ابن حجر عسقلانی، ۱/۱۰). با این وجود، آمده است هنگامی که خداوند اهل زمین را بمیراند، اهل آسمان نیز خواهند مرد، سپس به ترتیب اهل هفت آسمان و میکائیل، جبرئیل، اسرافیل و فرشته مرگ را می‌میراند، بعد از آن در صورتی دمد و بر می‌انگیزد (کوفی اهوازی، ۹۰؛ ابن حیون، ۱۰۹/۳؛ دیلمی، اعلام‌الدین، ۳۵۳).

با توجه به تصویر موجود از این ملک می‌توان بیان داشت که خوبی با توجه با نوع نگاه هنری مختص به خود، عزرائیل را با تاجی بر سر و نشسته بر یک زانو و چنگکی سه‌شاخه در دست مصور کرده است. در مقابل عزرائیل جماعتی حضور دارند که شاید او در حال قبض روح بعضی از این افراد است. قایی که این جماعت در آن محصور شده‌اند، احتمالاً همان لوح محفوظی باشد که بر پیشانی اسرافیل قرار گرفته و عزرائیل به حکم خدا در آن نظر دارد و در موعد مقرر، جان بعضی از افراد که موعد آنان فرا رسیده است را می‌ستاند. با توجه به اینکه روایات تنها به کریه المنظر بودن چهره این ملک در هنگام برخورد با افراد گناهکار اشاره و نکته‌ای دیگر بیان نداشته‌اند، خوبی با بهره‌گیری از باورهای اعتقادی، داشته‌های ذهنی و نیز باورهای رایج در این دوره، تصویری از صورت این ملک ارائه داده است. هرچند با نگاهی تیزبینانه

می‌توان دریافت که شاید نقاش در قالب تمثیلی اشاره به جور و ظلم حکمرانان معاصر با خود را داشته و با توجه به استبداد و خفقان حاکم بر سال‌های حکومت محمدشاه و سپس عصر ناصری، این ملک را نیز با تاجی قاجاری تصویرپردازی کرده است. به عبارتی دیگر، دریافت می‌گردد که به احتمال فراوان خوبی با ترسیم تاجی شاهانه برای عزرائیل، از این تکنیک به‌عنوان ابزاری برای اعتراض به شیوه حکومت شاهان قاجار بهره برده است.

مشترکات تصویرپردازی

یکی از تحریف‌ها و خرافاتی که درباره ملائک در طول تاریخ صورت گرفته است، تجسم و تصویرپردازی آنان به صورت زنان و دختران زیبارو است. صاحب‌المیزان عقیده مؤنث شمردن ملائکه را به وثی‌ها (بت‌پرستان) نسبت می‌دهد و بودایی‌ها، برهمایی‌ها و صابین را از زمره آنان بر می‌شمرد. او بعضی از قبایل عرب جاهلی همچون «سلیم» و «خزاعه» را نیز دارای همین عقیده معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۷/۲۷۱). فارغ از این‌گونه تفکر، چنین به نظر می‌رسد که قائل شدن جنسیت مؤنث برای فرشتگان، در تصاویر خلق شده به‌وسیله علیقلی خوبی، به‌مثابه نمادی از موجودی دارای روح لطیف باشد که از معصومیت و قداست و ویژه‌ای برخوردار است، امری که تنها در عزرائیل مستثنا شده؛ که این امر احتمالاً، ریشه در باورهای جمعی داشته است. با این حال، موضوع مؤنث دانستن ملائک به‌صورت جدی در قرآن مورد رد و انکار قرار گرفته و دانستن جنسیت و یا انتساب آنان به دختران خدا برابر با شرک بیان شده است (زخرف: ۱۹-۱۵).

اندام ظاهری رئوس ملائکه را می‌توان از جمله دیگر موضوعات مورد توجه خوبی بیان داشت. از آنجا که ملائک موجوداتی عاقل و با شعور و از خوردن و آشامیدنی مبرا هستند و از سوئی، این چهار ملک بنا به نقل پیامبر (ص) از یک تسبیح، گوش، دیده، خرد و فهم آفریده شده‌اند، به‌طور غالب با تشبیه به انسان، همانند یکدیگر ترسیم شده و چندان تفاوتی در ترسیم آن‌ها لحاظ نشده است. بر این اساس، رئوس ملائکه به استثنای عزرائیل، با بدنی لاغر، گردنی بلند، کمری باریک و دستان و انگشتانی کشیده و چهره آنان اکثراً به شیوه پیکرنگاری زنان و دختران قاجاری، با گیسوانی بر شانه، ابروانی پیوسته، چشمانی درشت و لبانی نازک تصویرپردازی شده که زیبایی بصری ممتازی برای بیننده ایجاد می‌کند. شاید این تأکید از سوی خوبی، به دلیل برتری آنان بر سایر ملائک و مجالست با خاندان نبوت بوده است.

یکی دیگر از ویژگی‌های مصورسازی رئوس ملائکه، بال‌هایی است که برای آنان ترسیم شده است. چنین دریافت می‌شود که این امر تا حد زیادی مبتنی بر نص صریح قرآن باشد: «جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا

أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ مَّمْنَىٰ وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ؛ خداوند فرشتگان را رسولانی گردانید که بال‌هایی دارند، دوگانه، سه‌گانه و چهارگانه که هر چه را بخواهد در آفرینش می‌افزاید» (فاطر: ۱). خوبی در مواردی که روایات به تعداد بال‌های ملک اشاره داشته‌اند همچون اسرافیل از آن بهره برده و در مورد سایر ملائکه - که روایتی درباره تعداد بال‌های آنان بیان نگردیده - با الهام از طبیعت اطراف خود و قرینه‌سازی ملائک با پرندگان از نظر فیزیک بدنی جهت پرواز، تنها به ترسیم دو بال اکتفا کرده است.

پوشش ظاهری مشترک، نکته دیگری است که به وضوح بیانگر غلبه باورهای رایج این عصر در خلق تصاویر محسوب می‌گردد؛ هر چند نباید توجه خوبی به روایات را از نظر دور داشت. تمامی این ملک با تاجی قاجاری بر سر ترسیم شده که این امر احتمالاً منبعث از داستان قوم لوط است که در این عصر عمامه جایگزین تاج شده است. از سویی دیگر می‌توان آن را الهام گرفته از نقل پیامبر (ص) مبنی بر منقوش بودن پیشانی رئوس ملائکه به صفات مقدس دانست که بنا به صلاحدید خوبی، کلمات جای خود را به تاج داده است. علاوه بر این، یکی از موضوعاتی که به وضوح نشانگر تأثیر هنجارها و باورهای جامعه محسوب می‌شود، لباس‌های مصور شده برای این ملائک است که تماماً به سبک شاهزادگان قاجاری است. ویژگی بارز آن شامل دامن‌های پُر چین و مزین به نقش و نگارهایی خاص است و تنها عزرائیل در هیبتی متفاوت به مانند میر غضبانی حاضر در دربار مصور شده است.

با این حال، هر چند پژوهشگرانی بر این باور هستند که خوبی «امکان تحقیق در زمینه متونی که تصویرسازی آن‌ها به او سفارش داده شده را نداشته و مجبور بوده یا از نقش مایه‌های کهن استفاده کند که در میان نقاشان ایرانی به صورت سنت استاد و شاگردی به نسل‌های بعد منتقل می‌شده یا این که از تخیل خود بهره گیرد» (ترابی، ۱۷)، اما بررسی تحلیلی آثار او اثبات می‌کند که شاید خوبی صرفاً در زمینه مصورسازی سایر موجودات معرفی شده در عجایب المخلوقات - همچون دیو، نسناس، غول که تا پیش از سفارش کتاب هیچگونه اطلاعاتی از آن‌ها نداشته است - از سنت‌های کهن هنری و یا ادبیات شفاهی - اسطوره‌ها و افسانه‌ها - بهره گرفته باشد، اما درباره موجوداتی همچون رئوس ملائکه، مبتنی بر اطلاعات دینی و به احتمال فراوان مطالعات قرآنی - روایی، به خلق تصاویر پرداخته است.

نتیجه‌گیری

با آغاز به کار دستگاہ‌های چاپ سنگی در ایران دوره قاجار، هنرمندان عرصه کتابت و به‌ویژه نقاشان از

۱. در یک پژوهش این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است که بهره‌گیری از عناصر پیکرنگاری اسطوره‌ها و اشاراتی که در افسانه‌های موجود در ادبیات شفاهی ایران از افراد و حیوانات، در ادوار گوناگون تاریخی بیان می‌شود، به‌طور خواسته یا ناخواسته در نوع نگرش نقاشان تأثیر دارد (Saadinejad, 232-237).

محدویت‌های پیشین‌رهای یافته و با رویکردی نو و آزادی عمل بیشتر به فعالیت، مبنی بر علایق و باورهای فردی و جمعی پرداختند. در این بین، یکی از نکات مهم، مصورسازی موضوعات دینی همچون رئوس ملائکه محسوب می‌گردد که تجلی آن را می‌توان در عجایب المخلوقات قزوینی شاهد بود. هرچند این اثر مبتنی بر درون‌مایه‌ای اعجاب‌انگیز است - که در نگاهی سطحی نشانگر تصاویری غیرواقعی و صرفاً تخیلی است - اما با مذاقه در تصاویر دارای بعد دینی همچون رئوس ملائکه این نظر به صورت تسری بر کلیه تصویرپردازی‌های آن، نقض می‌گردد. شاید بتوان خاستگاه اولیه پردازش هنری از سوی میرزا علیقلی خویی به‌عنوان نقاش نسخه ۱۲۶۴ ق. برای خلق تصاویر موجوداتی که تا کنون مشاهده نشده‌اند - همچون ملائکه - را نشأت گرفته از طبیعت و نیز اساطیر و افسانه‌ها و در نهایت در قالب اثری زاینده تخیل دانست، اما این جریان با توجه به نوع نگرش خالق اثر و مخاطبان تا حد زیادی مبنی بر نگاهی دینی و رعایت هنجارهای حاکم بوده است. به عبارتی دیگر، خویی در مصورسازی رئوس ملائکه تکیه اصلی را بر نص قرآن و روایات اسلامی قرار داده است، چراکه به احتمال فراوان از دانش قرآنی - حدیثی برخوردار بوده و از سویی چون مخاطبان این اثر را معمولاً اقشار میانه جامعه و پای‌بند به عقاید مذهبی می‌دانسته، این نگرش از سوی نقاش مورد توجه قرار داشته است. البته می‌بایست این مهم را در نظر داشت که بخش‌هایی از تصاویر نیز در بردارنده برداشت‌هایی است که روح آن آمیخته با باورهای عامیانه است، که آن نیز صرفاً در مواردی قابل مشاهده است که خویی با کمبود اطلاعات روایی مواجه شده و متعاقباً در این میان قوه تخیل نقاش، نقشی مهم در آفرینش تصاویر بر عهده داشته است. با این حال، مبتنی بر خوانشی هرمنوتیکی و آگاهی از این جریان که هر اثر هنری زاینده دوران خود است، غلبه باورهای جمعی در موادی همچون جنسیت، پوشش، آرایش ظاهری - مبتنی بر تشبیه‌سازی پیکر ملائکه به شاهزادگان قاجاری - قابل مشاهده است. اما مبنی بر دیدگاهی تحلیلی - تطبیقی میان گزارش‌ها و تصاویر، دریافت می‌گردد که تا حد بسیار زیادی تصویرپردازی مورد نظر خویی بر پایه اطلاعات و استنتاجات او از آیات و روایات اسلامی قرار داشته است. به‌نحوی که هنر - مبنی بر کارکردهای گوناگون - به ابزاری برای نمایش اعتقادات دینی فردی و جمعی مبدل می‌گردد.



اسرافیل (قزوینی، ١٢٦٤: ٣٠)



میکائیل (قزوینی، ١٢٦٤: ٣١)



جبرئیل (قزوینی، ١٢٦٤: ٣٠)



عزرائیل (قزوینی، ١٢٦٤: ٣١)

منابع

- ابن ابی الحديد، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، قم، مكتبة آية الله المرعشي، ۱۴۰۴ ق.
- ابن اثير، علي بن محمد، أسد الغابة في معرفة الصحابة، بيروت، دارالفكر، ۱۴۰۹ ق.
- _____، الكامل في التاريخ، بيروت، دارصادر، ۱۳۸۵ ق.
- ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات، تهران، مكتبة النينوى الحديثة، بی تا.
- ابن بابويه، محمد بن علی، إعتقادات الإمامية، قم، كنگره شيخ مفيد، ۱۴۱۴ ق.
- _____، الامالی، تهران، كتابچی، ۱۳۷۶.
- _____، التوحيد، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق.
- _____، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دارالشریف الرضی، ۱۴۰۶ ق.
- _____، نضال، تصحيح علی اكبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
- _____، علل الشرائع، قم، داوری، ۱۳۸۰.
- _____، عیون أخبار الرضا (ع)، تصحيح مهدي لاجوردی، تهران، جهان، ۱۳۷۸ ق.
- _____، فضائل الأشهر الثلاثة، تصحيح غلامرضا عرفانیان، قم، داوری، ۱۳۹۶ ق.
- _____، کمال الدین و تمام النعمة، تصحيح علی اكبر غفاری، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
- _____، معانی الأخبار، تصحيح علی اكبر غفاری، قم، اسلامي، ۱۴۰۳ ق.
- _____، من لا يحضره الفقيه، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۳ ق.
- ابن بطريق، يحيى بن حسن، عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار، قم، اسلامي، ۱۴۰۷ ق.
- ابن حجر عسقلاني، احمد بن علی، الإصابة في تمييز الصحابة، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۱۵ ق.
- ابن حيون، نعمان بن محمد، شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار (ع)، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق.
- ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۱۰ ق.
- ابن عبد البر، يوسف بن عبد الله، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، بيروت، دارالجيل، ۱۴۱۲ ق.
- ابن جوزي، عبد الرحمن بن علی، المنتظم في تاريخ الأمم والملوك، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۱۲ ق.
- ابن شاذان، محمد بن احمد، مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة (ع)، قم، مدرسة امام مهدي (عج)، ۱۴۰۷ ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، متشابه القرآن و مختلفه، قم، دار بيدار، ۱۳۶۹ ق.
- _____، مناقب آل أبي طالب (ع)، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، تهران، دارالكتب الإسلامية، ۱۴۰۹ ق.
- _____، التشریف بالمنن في التعريف بالفتن، قم، مؤسسة صاحب الأمر (عج)، ۱۴۱۶ ق.
- _____، جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، قم، دارالرضی، ۱۳۳۰ ق.

- _____، سعد السعود للنفوس منضود، قم، دارالذخائر، بی تا.
- _____، طرف من الأنباء و المناقب، تصحیح قیس عطار، مشهد، تاسوعا، ۱۴۲۰ ق.
- _____، مهج الدعوات، ترجمه محمدتقی طبسی، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱ ق.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تصحیح عبدالحسین امینی، نجف، دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش.
- اکبری، تیمور، تاریخ هنر و نقاشی و مینیاتور، تهران، سبحان نور، ۱۳۸۸.
- براتی، پرویز، عجایب ایران، تهران، افکار، ۱۳۸۷.
- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تصحیح جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ق.
- بغدادی، محمد بن حبیب، المنق، تصحیح خورشید احمد فاروق، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۵ ق.
- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
- بوذری، علی، خمسه نظامی میرزا علی قلی خویی، تهران، نظر، ۱۳۹۴.
- بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۵ ق.
- ترابی، ارکید، عجایب المخلوقات قروینی در تصاویر چاپ سنگی علیقلی خویی، تهران، نظر، ۱۳۹۳.
- جزائری، نعمت الله بن عبدالله، قصص الأنبياء، ترجمه فاطمه مشایخ، تهران، فرحان، ۱۳۸۱.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۱۳ ق.
- خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، بیروت، البلاغ، ۱۴۱۹ ق.
- دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
- _____، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ ق.
- شاذان قمی، شاذان بن جبریل، الفضائل، قم، رضی، ۱۳۶۳.
- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹.
- شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، نجف، مطبعة حیدریة، بی تا.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، قم، مکتبة آية الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
- صفری آق قلعه، علی، «عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات»، گزارش میراث، شماره ۶-۵، ۱۳۹۱ ش، ۱۴۵-۱۳۹.
- صمدی، هاجر، تصاویر شاهنامه فردوسی به روایت میرزا علیقلی خویی، تهران، متن، ۱۳۸۸.
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی التفسیر القرآن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰.
- طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تصحیح محمدباقر خراسان، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری، ترجمه عزیز الله عطاردی، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۰ ق.
- طبری آملی، محمد بن جریر، المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب (ع)، قم، کوشانپور، ۱۴۱۵ ق.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، تصحیح محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ ق.

- طوسی، محمدبن حسن، *الأمالی*، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
- _____، *تهذیب الأحكام*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- _____، *مصباح المتهجد و سلاح المتعبد*، بیروت، فقه الشیعة، ۱۴۱۱ ق.
- عکاشه، ثروت، *نگارگری اسلامی*، ترجمه غلامرضا تهامی، تهران، حوزه هنری، ۱۳۸۰.
- علی بن حسین، *صحیفة سجادیه*، ترجمه علینقی فیض الاسلام، قم، الهادی، ۱۳۷۶.
- عیاشی، محمدبن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تهران، المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ق.
- فتال نیشابوری، محمدبن احمد، *روضۃ الواعظین و بصیرۃ المتعظین*، قم، رضی، ۱۳۷۵.
- فدوی، محمد، *تصویرسازی در عصر صفویه و قاجار*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- قاضی ابرقوه، رفیع الدین اسحاق بن محمد، *سیرت رسول الله (ص)*، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۷.
- قزوینی، زکریا بن محمد، *عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات*، کاتب: نصرالله تفرشی، مصور: علیقلی خویی، تهران، بی نا (موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ثبت: ۲۵۶۰۲)، ۱۲۶۴ ق.
- قضاعی، محمدبن سلامه، *شهاب الأخبار*، تصحیح جلال الدین حسینی ارموی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
- قطب الدین راوندی، سعیدبن هبة الله، *قصص الأنبياء*، تصحیح غلامرضا عرفانیان، مشهد، مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۴۰۹ ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.
- کفعمی، ابراهیم بن علی، *مصباح کفعمی*، قم، دارالرضی، ۱۴۰۵ ق.
- کلینی، محمدبن یعقوب، *کافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- کوفی اهوازی، حسین بن سعید، *الزهد*، تصحیح غلامرضا عرفانیان یزدی، قم، المطبعة العلمية، ۱۴۰۲ ق.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات کوفی*، تصحیح محمد کاظم، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۰ ق.
- لعل شاطری، مصطفی، *نخستین رویارویی های هنر عصر ناصری با هنر غرب (موسیقی، نمایش، نقاشی)*، مشهد، مرنديز، ۱۳۹۷.
- مارزلف، اولریش، «تصویرسازی در کتاب های چاپ سنگی فارسی»، *چاپ سنگی از نگاه شرق شناسان*، ترجمه شهروز مهاجر، تهران، پیکره، ۱۳۹۱، صص ۱۷۵-۱۶۵.
- _____، *تصویرسازی داستانی در کتاب های چاپ سنگی*، ترجمه شهروز مهاجر، تهران، نظر، ۱۳۹۰.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، *آسمان و جهان*، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۱.
- _____، *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، *لوامع صاحبقرانی*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۴ ق.
- مسعودی، علی بن حسین، *اثبات الوصية*، قم، انصاریان، ۱۴۲۶ ق.
- مفید، محمدبن محمد، *تصحیح اعتقادات الإمامیه*، تصحیح حسین درگاهی، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق.

- مقدس، مطهرین طاهر، *البدء والتاریخ*، ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، آگه، ۱۳۷۴.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم، *الغیبة للنعمانی*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ ق.
- واقدی، محمدبن عمر، *مغازی*، تصحیح مارسدن جونز، بیروت، الأعلمی، ۱۴۰۹ ق.
- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، *مجموعه ورام*، ترجمه محمد رضا عطایی، قم، مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ ق.
- وسل، ژیا، *دایره المعارف های فارسی*، ترجمه محمد علی امیر معزی، تهران، توس، ۱۳۶۸.
- هلالی، سلیم بن قیس، *کتاب سلیم بن قیس هلالی*، قم، الهادی، ۱۴۰۵ ق.
- یاحقی، محمدجعفر، *فرهنگ اساطیر*، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۶.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دارصادر، بی تا.

Agamben, Giorgio, "Angels", *Angelaki (Journal of the Theoretical Humanities)*, Vol 16, 2011, 117-123.

Azizi, Farzaneh, "Government- Sponsored Iranian Medical Students Abroad (1811-1935)", *Iranian Studies*, Vol 43, 2010, 349-363.

Douyere, David, "Communication: On Being an Angel. Incarnation and Angelic Communication in Medieval Christian Theology: Modern Reflections, Starting with Thomas Aquinas's Summa Theologica", *Communication and Critical/Cultural Studies*, Vol 8, 2011, 188-193.

Emami, Farshid, "The Lithographic Image and Its Audiences", *Technologies of the Image: Art in 19th-Century Iran*. eds David J Roxburgh and Mary McWilliams. Cambridge: Harvard Art Museums, 2017, 55-79.

Green, Nile, "Stones from Bavaria: Iranian Lithography in its Global Contexts", *Iranian Studies*, Vol 43, 2010, 305-331.

Lewicki, T, "Al-Kazwini" *Encyclopaedia of Islam*, vol 4 (Iran-Kha), Edited By E. Van Donzel, B. Lewis and Ch. Pellat, Leiden, Brill, 1997.

Marzolph, Ulrich, "Der lithographische Druck einer illustrierten persischen Prophetengeschichte (1267/1850)", *Das gedruckte Buch im Vorderen Orient*, Dortmund, 2002, 85-117.

_____, "Persian Incunabul, A Definition and Assessment", *Jahrbuch-Gutenberg*, Vol 82, 2007, 205-220.

_____, "The Pictorial Representation of Shiite Themes in Lithographed Books of the Qajar Period", *The Art and Material Culture of Iranian Shi'ism: Iconography and Religious Devotion in Shi'i Islam*, ed. Pedram Khosronejad. London, I.B.Tauris, 2011, 74-103

Melville, Charles, "Ibn Husam's Havarān-Name and the Sah-name Firdawsī", *Eurasian Studies*, Vol 1-2, 2006, 220-232.

Saadinejad, Manya, "Mythological Themes in Iranian Culture and Art: Traditional and Contemporary Perspectives", *Iranian Studies*, Vol 42, 2009, 231-246.

Sulavik, Andrew, "Protestant Theological Writings on Angels in Post-Reformation Thought from 1565 to 1739", *Reformation & Renaissance Review*, Vol 8, 2006, 210-223.

Thrope, Samuel, "Unnecessary Angels: Jewish Angelology in the Škand Gumānīg Wizār", *Iranian Studies*, Vol 48, 2015, 33-53.

